

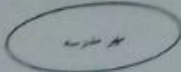
دانلود نمونه سوال فقه استدلالی ۴

1.	<p>و اما عدم ترتب الاثر على يمين المناشدة فلقوله تعالى: لا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ*... و يكفينا مقتضى القاعدة اذ المحلوف عليه لم يحلف ليلزم به و الحالف نفسه لم يتحقق منه التزام بفعله لتحريم عليه مخالفته.</p> <p>(أ) مراد از اثر چیست که بر یمن مناشده مترتب نمی شود؟ (ب) قسمت مشخص شده را تبیین کنید.</p>
2.	<p>أيا در موارد زیر عمل به نذر واجب است ؟ چرا؟ (أ) في الله على صلوة الليل إن قدم أبي من السفر. النذر. (ج) نذر زن بدون اذن شوهر:</p>
3.	<p>فرق وقف، حبس و صدقه به معنای اخص را بیان کنید.</p>
4.	<p>«اما وجه الاشكال في حصر حل حيوان البر بما ذكر فباعتبار ان ادلة حلية ما تقدم لا يستفاد منها حصر الحل بذلك، و معه يبقى غيره على اصل الحل الا ما دل الدليل على تحريمه بعنوانه الخاص»</p> <p>(أ) مفاد قسمت مشخص شده را تبیین کنید. (ب) مرجع ضمیر در "معه" و " غیره" چیست؟</p>
5.	<p>اصطلاحات زیر را تعریف کنید:</p> <p>(أ) النذر التبرعی: (ب) العاقلة: (ج) الحيوان الجلال: (د) الضالة: (ه) اللقيط:</p>
6.	<p>«و اما ان المناسب دفع اللقطة- اذا اريد التصدق بها- الى خصوص الفقراء فباعتبار ان المتبادر من مفهوم التصدق لزوم الفقر في المتصدق عليه و لا أقل من الشك في صدقه بدون ذلك فيلزم الاحتياط بعد عدم امكان التمسك بالاطلاق لأنه تمسك به في الشبهة المصداقية، و هو غير جائز.»</p> <p>(أ) چرا باید لقطه را به فقیر تصدق کرد؟ (ب) مفاد قسمت مشخص شده را تبیین کنید.</p>

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره سال تحصیلی ۹۱-۹۲

۱۴۰۳ هجری قمری
۱۳۸۲ هجری شمسی



کتابخانه	۲۹۱۳/۱۷
کتاب	۱۳۹۲/۶/۱۹
کتاب	فقه استدلالی ۱
کتاب	دروس تفهیمی در فقه استدلالی
کتاب	مجموعه کتب فقهی از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ هجری قمری

شماره پاسخ صحیح اول	نمره صحیح	نمره نادرست
شماره پاسخ صحیح دوم	نمره صحیح	نمره نادرست

نام و نام خانوادگی: ...
 شماره پرسنلی: ...
 نام درس: ...

۱- نظر مصنف در مورد «ولایت پدر و جد پدری» نسبت به «ازدواج دختر باکره» چیست؟ ج ۳ ص ۲۰ و ص ۲۳

الف. هر دو استقلالاً ولایت دارند

ب. تنها پدر استقلالاً ولایت دارد

ج. هیچ‌یک از آن دو ولایت ندارند

د. با دختر ولایت تشریحی دارند

۲- گزینه صحیح را در مورد «ازدواج مسلمان با کافر» مشخص نمایید. ج ۳ ص ۶۰

الف. لا يجوز للمسلمة الزواج بالكافر الكتابی و غیره مطلقاً

ب. يجوز للمسلم و المسلمة الزواج بالكافرة و الكافر مطلقاً

ج. يجوز للمسلم الزواج بالكاتبة علی زوجته المسلمة مطلقاً

د. لا يجوز للمسلم الزواج بالكاتبة علی زوجته المسلمة مطلقاً

۳- در صورت عدم تعیین یکی از «مهر» و «مدت» در عقد موقت، آن عقد به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۷۰

الف. معتق - بیطل

ب. بیطل - یصح

ج. بیطل - بیطل

د. یصح - بیطل

۴- مدت «عده طلاق مستترابه» و «زنی که شوهرش مرتد فطری شود» به ترتیب چقدر است؟ ص ۱۰۳ و ۱۰۴

الف. سه ماه - عده طلاق

ب. سه ماه - عده وقات

ج. سه طهر - عده وقات

د. چهار ماه - عده طلاق

۵- چرا وجوب «حداد» مختص به زنان عاقل است؟ ج ۳ ص ۱۱۲

الف. زیرا تکلیف فقط برای آنان ثابت است

ب. زیرا شهرت مختص به این حکم است

ج. زیرا اجماع مختص به زنان عاقل است

د. زیرا قدر متیقن ادله زنان عاقل است

۶- آیا اذن پدر، در صحت نذر فرزند معتبر است؟ ص ۱۵۹

الف. معتبر اذنه مسبقاً و ینحل لو نهی عنه

ب. معتبر اذنه مسبقاً و لا ینحل لو نهی عنه

ج. لا معتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه ینحل بقاء

د. لا معتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه لا ینحل بقاء

بهترین دلیل به نظر مصنف برای اعتبار ایجاب و قبول لفظی در صیغهی نکاح را تبیین نمایید. ص ۱۶ - ۱/۵ نمره

ب: اعتبار صیغهی لفظی برای تحقق نکاح نزد تمام مسلمانان و مشترعه ثابت است و به شکل امری ارتکازی عالم و جاهل به آن معتقدند پس معلوم می‌شود این از معصوم ثابت بوده و به آنان رسیده است.

۸- چهار شرط از شرایط حصول حرمت توسط رضاع را بنویسید. ص ۴۹ س ۱

جواب: ۱) حصول لبن از ولادت شرعی. ۲) شیر خوردن طفل از پستان مستقیماً نه به واسطه ظرف. ۳) رضیع بیش از دو سال نداشته باشد. ۴) شیر خالص باشد و با چیزی مخلوط نشده باشد به طوری که به آن شیر نگویند. ۵) شیر از یک مرد باشد. ۶) شیردهنده یک زن باشد. ۷) شیر دادن به مقداری باشد که موجب روئیدن گوشت و سخت شدن استخوان رضیع شود. ۸) شیر زن دیگر بین شیر دادن مرضعه فاصله نیندازد. (اگر تحدید زمانی و کمی است).

۹- چگونه می توان از ادعای نسخ مشروعیه متعه بر مشروعیه متعه استدلال نمود؟ ص ۶۸ س ۱

جواب: همین که مخالفین ادعا می کنند متعه نسخ شده است پس در حقیقت ابتدا اقرار به مشروعیت آن در زمان پیامبر (ص) می کنند ولی می گویند که این مشروعیت بعد از پیامبر (ص) نسخ شده است و از همین ادعا و اقرار ضمنی استفاده می شود که مشروعیت متعه در زمان پیامبر قطعاً ثابت بوده ولی نسخ آن توسط پیامبر (ص) اگر قطع به عدم آن نداشته باشیم حداقل مشکوک است و با وجود این شک، استصحاب عدم نسخ جاری می شود که مشروعیتی که قطع به آن داشتیم همچنان باقی است. (اگر گفته شود که نسخ متعه بعد از پیامبر (ص) مسلم و قطعی است لذا جائی برای استصحاب یا قی نمی ماند در جواب می گویند: نسخ متعه بعد از پیامبر (ص) قیمت و ارزشی ندارد چون نسخ احکام فقط اختصاص به پیامبر (ص) دارد و باید در زمان ایشان صورت بگیرد).

۱۰- حکم طلاق را در دو فرض زیر با ذکر دلیل بنویسید. ص ۸۱ س ۱۶

الف) اگر مردی به زن خود بگوید: «انت طالق ان فعلت کذا».

جواب: طلاق صحیح نیست چون یکی از شرایط صحت طلاق این است که طلاق باید منجز و قطعی باشد نه معلق و در اینجا صیغه طلاق به صورت معلق جاری شده است.

ب) اگر مردی بگوید: «احدی زوجاتی طالق».

جواب: طلاق صحیح نیست چون یکی از شرایط صحت طلاق این است که مطلقه معین گردد ولی در اینجا مطلقه معین نشده است.

۱۱- یا توجه به روایت «قال ابو جعفر (ع): ان لله ان یقسم من خلقه بما شاء و لیس لخلقه ان یقسموا الا به» و روایت ابن مهزیار:

«قرأت فی کتاب لابی جعفر (ع) إلی داود بن القاسم: انی قد جثت و حیاتک.» پاسخ دهید. ص ۱۵۲ و ۱۵۳

الف) وجه جمع بین دو روایت از حیث حکم تکلیفی را بنویسید.

جواب: الف) جمع به این است که روایت اول حمل بر کراهت می شود زیرا در روایت دوم خود امام قسم به غیر خداوند خورده است.

ب) مقتضای اصل عملی برای حکم تکلیفی در «قسم به غیر خداوند تعالی» چیست؟

جواب: با قطع نظر از هر دو روایت چون دلیلی بر حرمت نداریم با اصالة البرائة حکم به جواز می شود.

۱۲- یا توجه به عبارت «و اما عدم اعتبار اذن الوالد مسبقاً فی صحة نذر الولد، فلعدم وجود نص یدل علی اعتبار ذلک فیتمسک بعصومات النذر لثنی ذلک. أجل، مع النهی یزول الرجحان فلا ینعقد حدوثاً و ینحل بقاء» جمله «مع النهی یزول الرجحان فلا ینعقد

حدوثاً و ینحل بقاء» را توضیح دهید. ص ۱۵۹ س ۱۱

جواب: اگرچه اذن سابق والد در صحت نذر ولد معتبر نمی باشد لکن نهی والد مانعیت دارد لذا اگر والد فرزندش را از نذر کردن نهی کند، نذر فرزند صحیح نیست و اصلاً نذر منعقد نمی شود چون در صحت نذر شرط است که متعلق آن شرعاً راجح باشد و یا نهی پدر، متعلق نذر مرجوح می شود. و همچنین اگر بعد از انعقاد نذر، پدر نهی کند آن نذر منحل می شود و به هم می خورد به دلیل عدم رجحان اگر چه در ابتدا و حدوثاً صحیح بوده است.

۱۳- دو دلیل مصنف بر اینکه «قرء» در روایات، به معنای «طهر» می باشد را بنویسید. ص ۱۰۷

جواب: ۱- روایاتی که قرء را به معنای طهر گرفته اند مخالف با تقیه است.

۲- با ظاهر قرآن موافق هستند زیرا در قرآن از زمان عده به سه قرء تعبیر شده است و قرء به معنای جمع است و معلوم است که جمع شدن خون در بدن در حالت طهر است نه در حال حیض که خون دفع می شود.

۳- با ظاهر قرآن موافق هستند زیرا ظاهر آیه این است که زمان عده از هنگام طلاق شروع می شود، پس قرء به معنای طهر است چون در هنگام طلاق زن طهر است. (رساندن مفهوم ۲ مورد کافی است).

۸- دلیل قرع «لا يجوز العقد على بنت الزوجة مادام قد فرض العقد على أمها مسبقاً و لو من دون دخول بها» به تفصیل توضیح دهید. ص [] []

۳۸- ۲- جواب: زیرا در صورت ازدواج با دختر زوجه، عنوان «امهات نساهنکم» بر زوجه (همسر اول) صدق می کند و موجب تحریم می شود. (نمره ۰/۷۵) نمره ۲ - ۳۸
دختر را به گوتهای تزویج کرد که عقد هر دو صحیح باشد (۰/۵) نمره ۱- و از طرفی هم نمی توان به سلطان عقد مادر حکم کرد زیرا تبدیل شدن عقد صحیح به باطل محتاج دلیل است بنابر این لازم است به سلطان عقد یا دختر حکم شود. (۰/۷۵) نمره ۱-
۹- قرع «یحرم الرضیع علی من ینتسب الی المرصعة بالبنوة ولادة بخلافه رضاعاً» را با مثال توضیح داده و دلیل آن را بنویسید. ص ۴۷ - ۲

جواب: طفلی که از زنی شیر بخورد (با شرایطش) بر افرادی که به خاطر ولادت به آن زن منسوب هستند حرام می شود (۰/۵) نمره ۱- مثلاً بر دخترانی که این زن به دنیا آورده است حرام می شود (۰/۲۵) نمره ۲- زیرا دختران این زن در حکم خواهران مادری او هستند (۰/۵) نمره ۱- اما به افرادی که به خاطر رضاع به آن زن منسوب شده اند حرام نمی شوند (۰/۲۵) نمره ۲- زیرا رضاع در صورتی موجب انتشار حرمت می شود که قیقل واحد باشد. (۰/۵) نمره ۱-
۱۰- یا توجه به عبارت «و قد تمسک لعدم جواز زواج المسلم بمطلق الکافرة بأية «و لا تکحوا المشرکات حتی یؤمنن... اولئک یدعون الی النار» (بقره ۲۲۱) اما بذیلها الوارد مورد العلة و اما بغایتها) کیفیت استدلال بر مدعی را بیان کنید. ص ۶۱ - ۲ نمره

جواب: برای اثبات این که ازدواج مرد مسلمان با زنان کافر جایز نیست به آیه شریفه استدلال نمودند زیرا دلیل آیه «اولئک یدعون الی النار» عمومی است و شامل هر کسی که انسان را به آتش دعوت کند می شود و اختصاصی به زنان مشرک ندارد بلکه همه کفار را در بر می گیرد. (۱) نمره ۱- همچنین غایت آیه «یؤمنن» دلالت می کند که ازدواج نمودن با زن غیر مؤمنه جایز نیست چه مشرک باشد و چه کافر. (۱) نمره ۱- ص ۶۱

۱۱- کیفیت استدلال به حکم طلاق ولی مجنون غیر بالغ را با توجه به روایات «المنی... فهل يجوز طلاق الأب؟ قال: لا يجوز» و «الرجل الاحمق یجوز طلاق ولیه علیه؟ قال: ما أرى ولیه إلا بمنزلة السلطان» تبیین کنید. ص ۸۵ - ۲ نمره

جواب: اطلاق روایت اول بر عدم جواز دلالت دارد (۰/۲۵) نمره ۱- این دو با یکدیگر تناقض کرده و ساقط می شوند (۰/۵) نمره ۱- لذا مجبوریم به اصل رجوع کنیم که همان استصحاب عدم ترتب اثر می باشد. (قیلاً که جدایی حاصل نشده بود الآن که ولی صیغه طلاق را خوانده شک می کنیم که جدایی حاصل شده یا نه؟ استصحاب عدم جاری می کنیم) (۱) نمره ۱-
۱۲- طلاق «بائن» را تعریف نموده و چهار مورد از مصادیق آن را بنویسید. ص ۹۳ و ۹۴ - ۱/۵ نمره

جواب: طلاق بائن طلاقى است که زوج حق رجوع به مطلقه را ندارد. (۰/۵) نمره ۱-
مصادیق آن: ۱- طلاق دختر بچه ای که به سن حیض نرسیده است. ۲- طلاق بائنه. ۳- طلاق قبل از دخول. ۴- طلاق سوم که قبل از آن دو بار طلاق محقق شده است. ۵- طلاق خلع یا مبارات به شرطی که زوج به آن بذل نموده است رجوع نکند. ۶- طلاق حاکم شرعی که به خاطر امتناع زوج از تفقه و طلاق صورت می گیرد. (هر مورد ۰/۲۵) نمره ۱-
۱۳- در مسأله (ان عدة الحامل المتوفى عنها زوجها اربعه اشهر و عشره) بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت و بذرون ازواجاً یتربصن بأنفسهن أربعة اشهر و عشره» بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت

استدلال بر مدعی را نوشته و اشکال مؤلف بر آن را بیان کنید. ص ۱۱۱ - ۱/۵ نمره

جواب: آیه اول بر این دلالت می کند که زنی که شوهرش مرده باید چهار ماه و ده روز نگه دارد. (۱) نمره ۱-
تکه دارد و امتثال این دو امر زمانی حاصل می شود که زن ایعد الاجلین را عده نگه دارد. (۱) نمره ۱-
اشکال مؤلف: آیه دوم اجنبی از بحث توفی زوج است زیرا آیه ناظر به مستله طلاق است. (۰/۵) نمره ۱-
۱۴- در عبارات «یشترط فی الخلع اموز منها ۱- اجتماع شرائط صحة الطلاق ۲- عدم کراهة الزوج للزوجته ۳- بذل الزوجة للقدية...» دلیل هر

یک از شرائط مذکوره را بنویسید. ص ۱۱۵ تا ۱۱۸ - ۱/۵ نمره

جواب: ۱- لزوم اجتماع شرائط صحت طلاق: زیرا خلع یکی از افراد طلاق است لذا احکام طلاق برای آن ثابت است. عده حقیقه خلع با خلع مذکور است. ۲- عدم کراهة الزوج للزوجته: زیرا در صورتی که زوج از زوجه کراهت داشته باشد طلاق از مصادیق مبارات می شود نه خلع. ۳- بذل الزوجة للقدية: چون قوام و رکن خلع همین بذل زوجه است و اگر بذلی در کار نباشد مورد از مصادیق طلاق معمولی است. عده حقیقه خلع با خلع مذکور است. ۴- عدم انعقاد الیمین إلا اذا كانت متعلقة بلفظ الجلالة» دلیل نادرستی استدلال بر مدعی را بنویسید. ص ۱۵۳ - ۱/۵ نمره

جواب: موثقه تنها در صدد بیان این است که الفاظ «أقسمت» و «حلفت» به تنهایی (بدون این که چیزی به آن ضمیمه شود) کافی نیست اما از این جهت که حتماً باید متعلق این افعال، لفظ جلاله باشد گر صدد بیان نیست تا بتوان بر مدعی استدلال نمود.

۱۶- نظر مصنف در مسأله «و اما کفارة حنث النذر فقيل انها ککفارة مخالفة اليمين و قيل ککفارة من افطر يوماً من شهر رمضان» را به همراه دلیل بیان کنید. ص ۱۶۰ - ۱/۵ نمره

جواب: کفاره حنث نذر مانند کفاره کفاره حنث نذر است. (۰/۵) نمره ۱- چون روایتی که دلالت می کند بر این که کفاره حنث نذر مانند کفاره ماه رمضان است به واسطه عبدالمملک ضعیف است هر چند در روایتی امام صادق (ع) از او تعریف کرده ولی چون راوی خود عبدالمملک است اعتبار ندارد. (۱) نمره ۱-
۱۷- در مسأله (ان عدة الحامل المتوفى عنها زوجها اربعه اشهر و عشره) بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت و بذرون ازواجاً یتربصن بأنفسهن أربعة اشهر و عشره» بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت

استدلال بر مدعی را نوشته و اشکال مؤلف بر آن را بیان کنید. ص ۱۱۱ - ۱/۵ نمره

جواب: آیه اول بر این دلالت می کند که زنی که شوهرش مرده باید چهار ماه و ده روز نگه دارد. (۱) نمره ۱-
تکه دارد و امتثال این دو امر زمانی حاصل می شود که زن ایعد الاجلین را عده نگه دارد. (۱) نمره ۱-
اشکال مؤلف: آیه دوم اجنبی از بحث توفی زوج است زیرا آیه ناظر به مستله طلاق است. (۰/۵) نمره ۱-
۱۴- در عبارات «یشترط فی الخلع اموز منها ۱- اجتماع شرائط صحة الطلاق ۲- عدم کراهة الزوج للزوجته ۳- بذل الزوجة للقدية...» دلیل هر

یک از شرائط مذکوره را بنویسید. ص ۱۱۵ تا ۱۱۸ - ۱/۵ نمره

جواب: ۱- لزوم اجتماع شرائط صحت طلاق: زیرا خلع یکی از افراد طلاق است لذا احکام طلاق برای آن ثابت است. عده حقیقه خلع با خلع مذکور است. ۲- عدم کراهة الزوج للزوجته: زیرا در صورتی که زوج از زوجه کراهت داشته باشد طلاق از مصادیق مبارات می شود نه خلع. ۳- بذل الزوجة للقدية: چون قوام و رکن خلع همین بذل زوجه است و اگر بذلی در کار نباشد مورد از مصادیق طلاق معمولی است. عده حقیقه خلع با خلع مذکور است. ۴- عدم انعقاد الیمین إلا اذا كانت متعلقة بلفظ الجلالة» دلیل نادرستی استدلال بر مدعی را بنویسید. ص ۱۵۳ - ۱/۵ نمره

جواب: موثقه تنها در صدد بیان این است که الفاظ «أقسمت» و «حلفت» به تنهایی (بدون این که چیزی به آن ضمیمه شود) کافی نیست اما از این جهت که حتماً باید متعلق این افعال، لفظ جلاله باشد گر صدد بیان نیست تا بتوان بر مدعی استدلال نمود.

۱۶- نظر مصنف در مسأله «و اما کفارة حنث النذر فقيل انها ککفارة مخالفة اليمين و قيل ککفارة من افطر يوماً من شهر رمضان» را به همراه دلیل بیان کنید. ص ۱۶۰ - ۱/۵ نمره

جواب: کفاره حنث نذر مانند کفاره کفاره حنث نذر است. (۰/۵) نمره ۱- چون روایتی که دلالت می کند بر این که کفاره حنث نذر مانند کفاره ماه رمضان است به واسطه عبدالمملک ضعیف است هر چند در روایتی امام صادق (ع) از او تعریف کرده ولی چون راوی خود عبدالمملک است اعتبار ندارد. (۱) نمره ۱-
۱۷- در مسأله (ان عدة الحامل المتوفى عنها زوجها اربعه اشهر و عشره) بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت و بذرون ازواجاً یتربصن بأنفسهن أربعة اشهر و عشره» بقره ۳۳۴ و قوله تعالى «و اولات الاحمال اهلن ان یضنن حملهن» اطلاق (۴) کیفیت

امتحانات عمومی سطح ۲

سال اول ۹۱-۹۰

مهر مدرسه

شماره برگه: ۹۰ دقیقه	ب ۲۰	تاریخ: ۱۰ صبح
شماره نام صحیح اول	نمره عدد	نمره حرفت
شماره نام صحیح دوم	نمره عدد	نمره حرفت

کتابخانه	۲۲۲
تاریخ	۹۰/۱۱/۸
موضوع	فقه استدلالی ۲
کتاب	دروس تهبیدیة فی الفقه الاستدلالی
مدرس	مجلس علوم نكاح امر ۹۶-۹۵، طلاق امر ۱۲۲-۹۴، یتیم امر ۱۲۲-۱۲۱

نام و نام خانوادگی: _____ نام پدر: _____ مدرسه علمیه: _____ شهرتان: _____ نام استاد: _____

۱- حکم اشهاد در صحت عقد نکاح دائم و موقت چیست؟ ص ۱۴ س ۷

- الف. مطلقاً معتبر نیست.
- ب. تنها در عقد دائم معتبر است.
- ج. مطلقاً معتبر است.
- د. تنها در عقد موقت معتبر است.

۰/۵

۲- نظر مصنف در مورد ولایت پدر و جد پدری نسبت به ازدواج دختر باکره چیست؟ ص ۲۰ س ۲ ص ۲۳

- الف. هر دو استقلالاً ولایت دارند.
- ب. تنها پدر استقلالاً ولایت دارد.
- ج. هیچ کدام ولایت ندارند.
- د. هر دو با تشریک دختر ولایت دارند.

۰/۵

۳- مقصود از «علم به حرمت» که در فرض «ازدواج در عده» موجب حرمت ابدی می شود، چیست؟ ص ۵۷ س ۲

- الف. هر دو نفر علم به موضوع و حکم داشته باشند.
- ب. هر دو نفر علم به موضوع داشته باشند.
- ج. یک نفر از آنها علم به موضوع و حکم داشته باشد.
- د. یک نفر از آنها علم به حکم داشته باشد.

۰/۵

۴- بنا بر نظر مصنف حکم یمین زوجه در دو فرض «نهی زوج» و «عدم صدور اذن از طرف زوج» به ترتیب کدام است؟ ص ۱۵۴

- الف. تعقد الیمین - لاتتعقد الیمین
- ب. لاتتعقد الیمین - تعقد الیمین
- ج. تعقد الیمین - تعقد الیمین
- د. لاتتعقد الیمین - لاتتعقد الیمین

۰/۵

۵- به نظر مصنف حکم «سه طلاق» در دو حالت «ارسال» و «ولاء» به ترتیب کدام است؟ ص ۹۷ س آخر

- الف. سه طلاق واقع می شود. - یک طلاق واقع می شود.
- ب. یک طلاق واقع می شود. - یک طلاق واقع می شود.
- ج. یک طلاق واقع می شود. - اصلاً طلاق واقع نمی شود.
- د. اصلاً طلاق واقع نمی شود. - یک طلاق واقع می شود.

۰/۵

۶- مدت «عده طلاق مسترابه» چقدر است؟ ص ۱۰۸

- الف. سه ماه
- ب. سه ماه و ده روز
- ج. چهار ماه و ده روز
- د. سه ظهر

۰/۵

۷- یکی از ادله جواز نظر زنان به مردان در مواردی که آشکار کردن آنها بر مردان متعارف است سیره قطعیه می باشد، دلیل دیگر مصنف بر جواز را بنویسید. ص ۲۶ و ۲۷

۲

جواب: با توجه به آنکه ما روایاتی نداریم که در آنها اصحاب از حکم نظر زنان به مردان سؤال کرده باشند، این عدم وجود روایات و عدم سؤال اصحاب می تواند سه دلیل داشته باشد:

(۱) حرمت نظر زنان به مردان برای اصحاب خیلی واضح بوده پس از حکم آن سؤال نکرده اند.

(۲) در این حکم شک داشته اند.

(۳) جواز نظر زنان به مردان برای اصحاب واضح بوده است.

ما احتمال اول باطل است زیرا لازمه اش این است که حرمت نظر زنان به مردان از حرمت نظر مردان به زنان واضح تر بوده است لذا از مورد اول سؤال کرده اند و این لازمه قابل پذیرش نیست.

ما احتمال دوم باطل است زیرا لازمه احتمال دوم سؤال کردن اصحاب است نه عدم سؤال.

نتیجه احتمال سوم باقی می ماند که وضوح جواز نظر زنان به مردان است در نتیجه جواز نظر زنان به مردان ثابت می شود.

- ۱۶- مجاز هر دو از علاقه‌های مجاز مرسل را نام برده و برای هر یک مثال بزنید. ص ۲۳۷ تا ۲۳۸ - ۲ - نمره
- ۱۷- علاقه حرکت یا به کار برهن جزء و اراده کل؛ مانند استعمال رقبه (گردن) و اراده انسان.
- ۱۸- علاقه حرکت یا به کار برهن کل و اراده جزء؛ مثل استعمال انگشت و اراده سر انگشت.
- ۱۹- علاقه مطابقت یا به کار برهن سبب و اراده مسبب؛ مانند ذکر باران و اراده علف از آن در مثال: گوسفند باران را خورد.
- ۲۰- علاقه مسبب یا به کار برهن سبب و اراده کردن سبب؛ خدا برای شما از آسمان رزق نازل می‌کند که منظور از رزق، سبب آن یعنی باران است.
- ۲۱- علاقه لازمیت یا ذکر لازم و اراده ملزوم؛ مثل طلع الصبوة، ذکر نور و اراده خورشید.
- ۲۲- علاقه ملزومیت یا ذکر ملزوم و اراده لازم؛ مثل به کار برهن خورشید و اراده نور در مثال خورشید همه جا را پر کرد.
- ۲۳- تعابیر زیر را با ذکر مثال تعریف کنید. ص ۲۴۵ و ۲۴۷ - ۲ - نمره

۲

ص ۲۴۵

جواب: استعاره منکره استعاره‌ای است که مستعار منه یا همان مشبه به در آن حذف شده باشد و یکی از لوازم و مختصات آن به همراه مستعار له (مشبه) در کلام آورده شود. مثل: *مَنْ يَكُنْ قَدْ عَلِقَ كَفَّكَ مَخَالِبَ الصَّبِيَةِ* (سوره بقره) به حیوان برانده تشبیه شده است. حیوان حذف شده و لازمی از لوازم آن یعنی مخالب (چنگال‌ها) در کلام آمده است.

جواب: استعاره منکره استعاره‌ای است که لفظ مستعار در آن اسم حامد ذات باشد (اعم از این که تصریحیه باشد یا منکره) مانند استعمال الفاظ ظلمت و نور در هدایت و

۲

۱۸- تکلفات مجاز یا کنایه را در ضمن مثال توضیح دهید. ص ۲۶۵ - ۲ - نمره

جواب: غلظت مجاز و کنایه این است که در مجاز به خاطر وجود قرینه نمی‌توان معنای حقیقی را اراده کرد بر خلاف کنایه که در آن اراده معنای حقیقی امکان دارد. مثلا در مثال «علی طویل الزناد» که کنایه از قد بلند بودن علی است اشکالی ندارد که واقعا شمشیر علی هم بلند بوده باشد و متکلم همین معنا را نیز علاوه بر معنای کنایه اراده کرده باشد.

۱۹- نوع مشخصات لفظی و معنوی به کار برده شده در مثال‌های زیر را در مقابل هر یک بنویسید. ۲ - نمره

۳

- ۱- ایما: *يَكَلِّدُ زَيْبًا بَعْضِي* و *لَوْ عَارَ: جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶*
- ۲- ج: *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۳- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۴- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۵- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۶- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۷- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۸- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۹- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶
- ۱۰- *عَلَا زَيْدٌ عَلَيَّ جَمِيعُ الْهَنَكِ*. جواب: جناس مستوفی ص ۳۰۶

۲

جواب: مرسل: تشبیه است که ادات تشبیه در آن ذکر شده باشد. مثل *زَيْدٌ كَالْاَسَدِ*.

تشبیه مؤکد: تشبیه است که ادات تشبیه در آن حذف شده باشد. مثل *زَيْدٌ اَسَدٌ*.

۱۲- یا توجه به عبارت «تقسیم الکتابیه باعتبار الوسائط الى اربعة اقسام: اذا كثرت الوسائط، سميت تلويحاً كـ (زيد كثير الرماد)» تلويح را در ضمن مثال به طور کامل توضیح دهید. ص ۲۶۷ - ۲ - نمره

۲

جواب: تلويح به کنایه‌ای گفته می‌شود که واسطه‌های میان لازم و ملزوم بسیار دور و زیاد باشند. مثلا در عبارت *زيد كثير الرماد* کلمه *كثير الرماد* در مفهوم مرد بخشنده و کسی که سفره‌ی احسان او همیشه پهن است و بخشش فراوان دارد استعمال شده است. ذهن ما نخست از زیادتی خاکستر به زیادتی سوخت خانه و آن گاه از این موضوع به فراوانی غذا و سپس فراوانی مهمان‌ها و سپس به مهمان‌نوازی و بخشندگی زید متوجه می‌شود.

۱۳- تعریف دلالت مطابقی و دلالت التزامی که از اقسام دلالت‌های وضعی لفظی است را نوشته و برای هر کدام مثالی بزنید. ص ۲۱۳ - ۲ - نمره

۲

جواب: ۱- دلالت مطابقی: لفظ بر تمام معنای موضوع له خود دلالت کند و با آن مطابق باشد یعنی مدلول لفظ و موضوع له آن یکی باشد مانند دلالت لفظ کتاب بر تمام معنای آن که برگ‌ها و نقش‌های داخل و نیز جلد آن را شامل می‌شود.

۲- دلالت التزامی: دلالت لفظ بر معنایی که بیرون از معنای موضوع له بوده اما همراه آن است مانند دلالت قلمدان بر قلم.

۸- با توجه به آیه شریفه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ - وَرَبِّئِكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ» (سوره نساء، ۳۳) ازدواج با ربیبه‌ای که در حجر انسان نیست،

چه حکمی دارد؟ چرا؟ ج ۳ ص ۳۵-۲ نمره

جواب: جایز نیست، (نمره ۰/۵) زیرا قید «فی حجورکم» موضوعیتی در تحریم ازدواج ندارد و بیانگر حالت غالب است که ربیبه در حجر انسان رشد می‌کند و بزرگ می‌شود پس اگر ربیبه در حجر انسان هم نباشد، ازدواج با او حرام است. (رساندن مفهوم کافی است.)

۹- مراد از قاعده در فرض مذکور در عبارت «تحريم على ابي المرتضی بنات المرضعة بالرغم من عدم اقتضاء القاعدة لذلك» را تبیین و در

مورد متن تطبیق نمایید. ص ۴۵ و ۴۶-۲ نمره

جواب: قاعده در محرمات یاب رضاع این است که هر عنوانی که در نسب موجب حرمت است، در رضاع نیز سبب حرمت می‌شود (نمره ۰/۵) و در این مورد دختران زنی که به فرزند انسان شیر داده‌اند بر پدر کودکی که شیر خورده است، حرام می‌شوند با اینکه نسبتی که آن دختران با آن پدر به سبب رضاع پیدا کرده‌اند این عنوان است که آنان «خواهران فرزند آن مرد» شده‌اند و این عنوان - یعنی خواهر فرزند - از عناوینی نیست که در یاب نسب موجب حرمت باشد تا اگر در یاب رضاع نیز محقق شد، سبب تحریم شود، با این حال در این مورد با اینکه عنوان نسبی موجب تحریم نیست، عنوان رضاعی موجب تحریم شده است. (نمره ۱/۵) (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۰- با توجه به حکمت تشریح عده، چرا زن می‌تواند در زمان عده با همان مردی که از او عده نگه داشته است، ازدواج کند؟ ج ۳ ص ۵۵

۱/۵ نمره

جواب: زیرا از روایاتی که نال بر لزوم عده است این مطلب استفاده می‌شود که ممنوعیت ازدواج با زن در زمان عده، به جهت حفظ حرمت مردی است که قبلاً در عقد نکاح او بوده است پس شامل خود آن مرد نمی‌شود و ازدواج خود آن مرد با همسر سابقش در زمان عده بی‌احترامی به او نیست. (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۱- با توجه به تعارض روایات، بر اساس اصل عملی، مقدار عده در ازدواج موقت چقدر است؟ چرا؟ ج ۳ ص ۷۱ و ۷۲-۱/۵ نمره

جواب:

مقدار عده دو حیض است (نمره ۰/۵) زیرا قبل از گذشت این زمان، در ترتب اثر بر عقد دومی که بعد از این عقد واقع می‌شود شک می‌کنیم و اصل عدم ترتب اثر است مگر اینکه دو حیض بگذرد که یقین به ترتب اثر حاصل می‌شود. (۱ نمره)

۱۲- مراد از «قصور در مقتضی» در عبارت «أما عدم ثبوت الولاية لولي الصبي في الطلاق فأمر لا خلاف فيه و يكتفي لإثباته القصور في

المقتضی» را تبیین کنید. ج ۳ ص ۸۴-۱ نمره

جواب: قصور در مقتضی یعنی دلیلی که برای ولی صبی، ولایت بر صبی در طلاق را ثابت کند، وجود ندارد [و ادله‌ای که ولایت بر صبی را برای شخصی ثابت می‌کند، ولایت بر صبی در امر طلاق را ثابت نمی‌نماید].

۱۳- طلاق که حاکم برای مرد ممتنع از نفقه و طلاق، اجراء می‌کند، بائن است یا رجعی؟ چرا؟ ج ۳ ص ۹۹-۲ نمره

جواب: بائن است. (نمره ۰/۵) دلیل: زیرا علت و عوض از جریان طلاق از سوی حاکم این است که زن آزاد شود و اگر مرد حق رجوع داشته باشد، آزادی برای زن حاصل نمی‌شود و طلاق که حاکم داده است سبب آزادی او نمی‌شود زیرا با رجوع مرد، زن دوباره مورد آزار قرار می‌گیرد. (نمره ۱/۵) (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۴- وجه موافقت روایاتی که «قرء» را به معنای «طهر» تفسیر نموده است، با ظاهر قرآن چیست؟ یک دلیل بنویسید. ص ۱۰۷-۲ نمره

جواب:

۱. زیرا در قرآن از زمان عده به سه قرء تعبیر شده است و قرء به معنای جمع است و معلوم است که جمع شدن خون در بدن در حالت طهر است نه در حال حیض که خون دفع می‌شود. ۳. زیرا ظاهر آیه [و المطلقات یتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء] این است که زمان عده از هنگام طلاق شروع می‌شود، پس قرء به معنای طهر است چون در هنگام طلاق زن در طهر است. (رساندن مفهوم یک مورد کافی است.)

۱۵- تعارض دو روایت «المباراة یؤخذ منها دون الصداق» و «لا یحل لزوج المباراة أن یأخذ منها إلا المهر فما دونه» را بنویسید. قاعده عرفی در جمع بین این دو را تبیین کنید. ص ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲-۲ نمره

جواب: تعارض: روایت اول بر این دلالت دارد که در طلاق مبارات مرد فقط می‌تواند کمتر از مهر را از همسرش بگیرد (نمره ۰/۵) ولی روایت دوم صریح است در اینکه هم می‌تواند به مقدار مهر از زن بگیرد و هم کمتر از آن. (نمره ۰/۵)

جمع عرفی: روایت اول ظهور در این دارد که باید کمتر از مهر گرفته شود ولی روایت دوم صریح است در اینکه می‌توان به مقدار مهر هم گرفت، بنابراین صراحت روایت دوم بر ظهور روایت اول مقدم می‌شود [و روایت اول بر عدم جواز گرفتن بیش از مقدار مهر حمل می‌شود]. (نمره ۱) (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۶- «نذر تبرع» را تعریف کنید. آیا در صورت شک در صحت این نذر، تمسک به عموماًت و جوب وفاء به نذر برای اثبات جواز این نذر ممکن است؟ چرا؟ ج ۳ ص ۱۵۸-۱/۵ نمره

جواب: نذر تبرع: نذری که معلق بر شرط نباشد. (نمره ۰/۵)

خیر، (نمره ۰/۲۵) زیرا در صورت شک این نذر شبهه‌ی مصداقیه‌ی ادله‌ی وجوب وفاء به نذر می‌شود و تمسک به عام در شبهات مصداقیه صحیح نیست. (نمره ۰/۷۵)

تاریخ:	
موضوع:	تاریخ
نام دانشجو:	علیرضا کرمی
نام استاد:	موسوی

موضوع:	فقه استدلالی ۲
کتاب:	دروس تهجدیه
صفحه:	جلد سوم کتاب نکاح و طلاق (ص ۱۶۲-۱۶۱) و بیعت نذر (ص ۱۶۱-۱۶۰)

نام و نام خانوادگی: علیرضا کرمی نام پدر: موسوی

۱- به نظر مصنف کدام گزینه در مورد «اعتبار ماضویت صیغه عقد نکاح» درست است؟ ص ۱۷ و ۱۸

- الف. معتبر است. زیرا قدر متیقن از عقد صحیح ماضی است.
- ب. معتبر نیست. چون لفظ غیر ماضی در روایات آمده است.
- ج. معتبر است. چون فقط ماضی صریح در انشاء عقد است.
- د. معتبر نیست. چون اصل عدم ترتب اثر عقد، جاری است.

۲- گزینه صحیح را در مورد «ازدواج مسلمان با کافر» مشخص نمایید. ص ۶۰

- الف. يجوز للمسلم الزواج بالکتابیه علی زوجته المسلمة مطلقاً.
- ب. لا يجوز للمسلم الزواج بالکتابیه علی زوجته المسلمة مطلقاً.
- ج. يجوز للمسلم و المسلمة الزواج بالکافرة و الکافر مطلقاً.
- د. لا يجوز للمسلمة الزواج بالکافر الکتابی و غیره مطلقاً.

۳- در چه صورت «طلاق زوج غائب» صحیح است؟ ص ۸۲

- الف. بشرط عدم امکان تعرفه علی حالها و مضی فترة يعلم بحسب عاداتها انتقالها من طهر إلى آخر.
- ب. بشرط امکان تعرفه علی حالها و مضی فترة يعلم بحسب عاداتها انتقالها من طهر إلى طهر آخر.
- ج. بشرط امکان تعرفه علی حالها و کانت فی سن من حیض و مضی ثلاثة أشهر عن طهرها.
- د. بشرط عدم امکان تعرفه علی حالها و عدم استیانة حمل الزوجة و مضی شهر عن طهرها.

۴- چرا وجوب «حداد» مختص به زنان عاقل است؟ ص ۱۱۲

- الف. زیرا شهرت مختص به این حکم است.
- ب. زیرا قدر متیقن ادله زنان عاقل است.
- ج. زیرا تکلیف فقط برای آنان ثابت است.
- د. زیرا اجسام مختص به زنان عاقل است.

آیا اذن پدر در صحت نذر فرزند معتبر است؟ ص ۱۵۹

- الف. معتبر اذنه مسبقاً و ينحل لو نهی عنه.
- ب. معتبر اذنه مسبقاً و لا ينحل لو نهی عنه.
- ج. لا يعتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه ينحل بقاء.
- د. يعتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه لا ينحل بقاء.

در «متعلق یمین» چه ویژگی شرط است؟ ج ۲ ص ۱۵۴

- الف. رجحان متعلقه بلحاظ المصلحة الشخصية.
- ب. رجحان متعلقه بحیث يعد فعله طاعة لله تعالى.
- ج. رجحان متعلقه و لو بحیث يعد فعله طاعة لله.
- د. رجحان متعلقه و لو بلحاظ المصلحة الشخصية.

تاریخ	شماره	نام
		محمد علی

موضوع: ...

موضوع	تاریخ	شماره
...

موضوع: ...

موضوع: ...

موضوع: ...

موضوع: ...

۱- آیا به نظر مصنف «عربیت» در صیغه عقد نکاح معتبر است؟ ص ۱۷

- الف. لا. لان المملوك في اية «انكحوا الايامي» هو اصل النكاح
- ب. نعم. لان قدر المتيقن من المقد المسحيح هو المقد بالمريه
- ج. لا. لجریان اسالة البراهه في المتك في اعتبار المريه
- د. نعم. لمد صدق عنوان المقد اذا لم يكن بالمريه
- ۲- حكم نكاه كرهه به بدون دختر «غير بالغ» چیست؟ چرا؟ ص ۲۸ و ۲۹
- الف. الحرمة لان ادلة الضرورة قاصرة في مقتضى
- ب. الجواز لان ادلة الضرورة قاصرة في مقتضى
- ج. الحرمة لان النظر سهام من سهام ايليس
- د. الجواز لانها بمن لا تنهي اذا نهيت
- ۳- عبارت «لم يكن الفممل برضاع اخر مانعاً بين انتشار الحرمة» در مورد کدام يك از اقسام «تصدید» است؟ ص ۵۳
- الف. التصدید الكمي
- ب. التصدید الزماني
- ج. التصدید المدهي
- د. التصدید الكيفي

۴- به نظر مصنف چرا در «تنبیجوز» صحت طلاق «تنبیجوز» معتبر است؟ ص ۸۶

- الف. لان اعتباراً تأخره الى حصول الملاق عليه شرع جدید
- ب. بون ظاهر الروایات قبلية الملاق بمجرد تحقق الصیمة
- ج. لانه يدعی أن الاجماع قائم على اعتبار التنبیجوز فيه
- د. لمناقاة التملق لقاعدة عدم تأخیر المملول عن علقه
- ۵- عده «ربانسهای» که شوهرش مرده چقدر است؟ ص ۱۰۳
- الف. چهار ماه و ده روز
- ب. یک سال تمام
- ج. عده ندارد.
- د. سه ماه

۶- به نظر مشهور آیا نذر زوجه بدون اذن زوج منعقد می شود؟ ص ۱۵۹

- الف. بله. مطلقاً
- ب. خیر. مطلقاً
- ج. خیر. مگر از مال خودش باشد.
- د. بله. اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد.
- ۷- با توجه به عبارت «فقد يستدل على ولاية الأب و الجد في الترویح بمسحیحة القمط «قلت لابی عبدالله: الرجل الاحمق الذاهب العقل يجوز طلاق ولیه علیه؟ قال: و لم لا یطلق هو... ما أرى ولیه إلا بمنزلة السلطان» کیفیت دلالت روایت بر مدعا را توضیح دهید. ص ۲۱ - ۱/۵ - نمره
- جواب: قدر متیقن از کلمه ولی همان پدر و جد است و زمامی که ولی در مسئله طلاق به منزله سلطان باشد این تنزیل در مسئله نکاح به طریق اولی صحیح می باشد. (نمره) ۰/۷۵
- از دواج دیوانه ثابت کرد. (۰/۷۵ نمره)

۷- مسأله و دليل مذکور در عبارت «لا يجوز العقد على بنت الزوجة ما دام قد فُرِضَ العقد على أمها مسبقاً؛ لأنه مع العقد على البنت يصدق على الأمّ عنوان (أمّهات نسانکم) و هو يوجب التحريم و الجمع بينهما غير ممكن، و انقلاب عقد الأمّ إلى البطلان بعد وقوعه صحيحاً يحتاج إلى دليل» را تبیین نمایید. ص ۲۵ و ۲۶-۲ نمره

جواب: مسأله: اگر مردی با زنی عقد ازدواج بخواند، نمی‌تواند در همان حال دختر آن زن را به عقد ازدواج خود درآورد. (نمره ۰/۵) دلیل: زیرا به محض آنکه دختر آن زن را عقد نماید، آن زن مصداق مادر همسرش می‌شود و این عنوان - یعنی مادر همسر - از عناوینی است که ازدواج با آنها صحیح نیست پس ممکن نیست که هم عقدش با آن زن باقی بماند و هم با دختر او (نمره ۰/۷۵) و نیز نمی‌توان گفت که به محض اجرای عقد با دختر آن زن، عقدش با خود آن زن باطل می‌شود زیرا عقدش با آن زن صحیح بوده و دلیلی بر تبدیل شدن آن عقد صحیح به عقد باطل نداریم (نمره ۰/۷۵) پس باید گفت عقدش با دختر آن زن باطل است. (رساندن مفهوم کافی است.)

۸- با توجه به حکمت تشریح عده، چرا زن می‌تواند در زمان عده با همان مردی که از او عده نگه داشته است، ازدواج کند؟ ص ۵۵ - ۲ نمره

جواب: زیرا از روایاتی که دال بر لزوم عده است این مطلب استفاده می‌شود که ممنوعیت ازدواج با زن در زمان عده، به جهت حفظ حرمت مردی است که قبلاً در عقد نکاح او بوده است پس شامل خود آن مرد نمی‌شود. (رساندن مفهوم کافی است.)

۹- اولویّت مذکور در عبارت «لا يجوز للمسلم الزواج بالكافرة غير الكتابية لقوله تعالى: (و لا تمسکوا بعصم الکوافر) حیث يدلّ علی النهی عن الاستمرار فی نکاح الکوافر و إذا ثبت هذا ثبت ابتداءً بالألویة» را تبیین کنید. ص ۶۱ - ۱/۵ نمره ۰/۷۵

جواب: از آنجایی که در آیهی شریفه مؤمنین از ادامه‌ی زندگی با زنان کافری که در گذشته با آنان ازدواج کرده‌اند، نهی شده‌اند و شارع راضی به همراهی مؤمنان با کافران در زندگی نیست، معلوم می‌شود که آغاز زندگی مردان مؤمن با زنان کافر به طریق اولی مورد رضایت شارع نیست (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۰- حکم تعارض روایات ارث زوجین در ازدواج موقت را در فرض عدم اشتراط ارث با توجه به سه دسته از اخبار: «۱. ما دلّ علی عدم الإرث من دون تفصیل ۲. ما دلّ علی الإرث مع الشرط ۳. ما دلّ علی الإرث إنّما مع اشتراط العدم» تبیین کنید. ص ۷۵ و ۷۶ - ۲ نمره

جواب: سه دسته روایت در این زمینه وجود دارد: ۱. ارث نمی‌برند. ۲. اگر شرط بکنند ارث می‌برند. ۳. ارث می‌برند مگر اینکه شرط نبردن ارث را بنمایند در موردی که هیچ شرطی نکنند روایات دسته دوم و سوم تعارض می‌کنند، زیرا بر اساس دسته دوم ارث ثابت نیست ولی بر اساس دسته سوم ثابت است لذا این دو دسته تساقط می‌کنند، در نتیجه به دسته اول که سالم از معارض است رجوع می‌شود که اطلاقش دال بر عدم ثبوت ارث در صورت عدم اشتراط ارث است. (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۱- در مورد مقدار عده‌ی زوجه در نکاح منقطع دو دسته روایت داریم: «الف) أنّها حیضتان. ب) أنّها حیضة.» آیا جمع عرفی بین این روایات ممکن است؟ چرا؟ یک دلیل بنویسید. ص ۷۱ - ۲ نمره

جواب: خیر (نمره ۰/۵) زیرا ۱. اوامر ارشادی قابل جمع عرفی [به حمل بر استحباب] نیستند یا ۲. زیرا اوامر ارشادی که به لسان اخبار باشند قابل جمع نیستند مثل محل بحث. (یک دلیل ۱/۵ نمره لازم است.)

۱۲- در مورد عده‌ی صغیره دو روایت داریم: «۱. سألته عن التي لا یحیض مثلها؟ قال: لیس علیها عده. ۲. قال: عده المرأة التي تحیض ... ثلاثة أشهر» یک جمع بین روایات و مقتضای اصل عملی در صورت عدم امکان جمع را بنویسید. ص ۱۰۶ - ۱/۵ نمره

جواب: جمع بین روایات: روایت دوم حمل بر استحباب می‌شود. (نمره ۰/۷۵) مقتضای اصل عملی: برائت از لزوم عده است. (نمره ۰/۷۵)

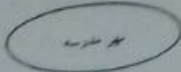
۱۳- با توجه به آیه شریفه «إلّا أن یخافا أن لا یقیما حدود الله» آیا تصریح به الفاظ خاصی برای ابراز کراهت زوجه از زو تحقق خلع لازم است؟ چرا؟ ص ۱۱۸ - ۲ نمره

جواب: خیر، (نمره ۰/۵) زیرا آنچه در این آیه به عنوان معیار ذکر شده است این است که کراهت به حدی برسد که خوف ترک حدود الهی وجود باشد ولی تلفظ به الفاظ خاصی معتبر نیست. (نمره ۱/۵)

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره سال تحصیلی ۹۱-۹۲

۱۴۰۳ هجری قمری
۱۳۸۲ هجری شمسی



کتابخانه	۲۹۱۳/۱۷
کتاب	۱۳۹۲/۶/۱۹
کتاب	فقه استدلالی ۱
کتاب	دروس تفهیمی در فقه استدلالی
کتاب	مجموعه کتب فقهی از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ هجری قمری

شماره برگه	۶۰	تاریخ	۹۰
شماره برگه اول	نوبت اول	نوبت اول	نوبت اول
شماره برگه دوم	نوبت دوم	نوبت دوم	نوبت دوم

نام و نام خانوادگی: ...
 شماره: ...
 استان: ...
 شهرستان: ...
 مدرسه: ...

۱- نظر مصنف در مورد «ولایت پدر و جد پدری» نسبت به «ازدواج دختر باکره» چیست؟ ج ۳ ص ۲۰ و ص ۲۳

الف. هر دو استقلالاً ولایت دارند

ب. تنها پدر استقلالاً ولایت دارد

ج. هیچ‌یک از آن دو ولایت ندارند

د. با دختر ولایت تشریحی دارند

۲- گزینه صحیح را در مورد «ازدواج مسلمان با کافر» مشخص نمایید. ج ۳ ص ۶۰

الف. لا يجوز للمسلمة الزواج بالكافر الكتابی و غیره مطلقاً

ب. يجوز للمسلم و المسلمة الزواج بالكافرة و الكافر مطلقاً

ج. يجوز للمسلم الزواج بالكاتبة علی زوجته المسلمة مطلقاً

د. لا يجوز للمسلم الزواج بالكاتبة علی زوجته المسلمة مطلقاً

۳- در صورت عدم تعیین یکی از «مهر» و «مدت» در عقد موقت، آن عقد به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۷۰

الف. معتق - بیطل

ب. بیطل - یصح

ج. بیطل - بیطل

د. یصح - بیطل

۴- مدت «عده طلاق مستترابه» و «زنی که شوهرش مرتد فطری شود» به ترتیب چقدر است؟ ص ۱۰۳ و ۱۰۴

الف. سه ماه - عده طلاق

ب. سه ماه - عده وقات

ج. سه طهر - عده وقات

د. چهار ماه - عده طلاق

۵- چرا وجوب «حداد» مختص به زنان عاقل است؟ ج ۳ ص ۱۱۲

الف. زیرا تکلیف فقط برای آنان ثابت است

ب. زیرا شهرت مختص به این حکم است

ج. زیرا اجماع مختص به زنان عاقل است

د. زیرا قدر متیقن ادله زنان عاقل است

۶- آیا اذن پدر، در صحت نذر فرزند معتبر است؟ ص ۱۵۹

الف. معتبر اذنه مسبقاً و ینحل لو نهی عنه

ب. معتبر اذنه مسبقاً و لا ینحل لو نهی عنه

ج. لا معتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه ینحل بقاء

د. لا معتبر اذنه مسبقاً و لو نهی عنه لا ینحل بقاء

بهترین دلیل به نظر مصنف برای اعتبار ایجاب و قبول لفظی در صیغهی نکاح را تبیین نمایید. ص ۱۶ - ۱/۵ نمره

ب: اعتبار صیغهی لفظی برای تحقق نکاح نزد تمام مسلمانان و مشترعه ثابت است و به شکل امری ارتکازی عالم و جاهل به آن معتقدند پس معلوم می‌شود این از معصوم ثابت بوده و به آنان رسیده است.